

تهاجم تبلیغاتی در گذشته تاریخ^۱

مرتضی منطقی

مسئله تهاجم تبلیغاتی، پدیده متأخر و تازه‌ای نیست و اگر در طول تاریخ زندگی آدمی به مطالعه و بررسی حیات اجتماعی وی بپردازیم، ملاحظه می‌شود که تهاجم تبلیغاتی همواره به مثابه عنصری اساسی و تعیین کننده در روابط اجتماعی گروه‌های انسانی جلوه‌گر شده است، از این رو در این قسمت اولاً برای ترسیم عمق تاریخی مسئله تهاجم تبلیغاتی و ثانیاً برای طرح تئوری که در نوشتار حاضر مدنظر بوده است، با طرح شاهد مثالی از قرآن، به بررسی موارد فوق می‌پردازیم و سپس با اتکا به تئوری مطرح شده، به بررسی تهاجم تبلیغاتی از آغاز قرن معاصر تا حال حاضر خواهیم پرداخت.

در بررسی تهاجم تبلیغاتی نشان خواهیم داد، پس از آنکه فرعون در برخورد با حضرت موسی «ع» با ترور شخصیت و مغالطه‌های خویش نمی‌تواند حضرت را منکوب سازد، راه تهمت زدن و تهدید را پیش می‌گیرد. اما با معجزات حضرت، نه تنها این ترفندها بی نتیجه می‌مانند، بلکه افکار عمومی مردم مصر متوجه مسئله دعوت حضرت موسی «ع» و تزلزل فرعون در مقابله با ایشان می‌شود.

فرعون که پس از شکست خویش در برابر حضرت موسی «ع» در صدد به قتل رساندن حضرت بود، با توصیه متخصصان در بارش برای تصفیه حساب تبلیغاتی با وی و جلوگیری از اسطوره شدن حضرت «در صورت قتل وی» برای مقابله با حضرت موسی «ع» انبوهی از جادوگران را گرد می‌آورد. در روز مقرر ساحران با وجود تمهیدات

۱ - نوشتار حاضر بخشی از مقاله مفصل تحت عنوان «تهاجم تبلیغاتی» است. که به لحاظ توجه به جایگاه تبلیغات و تهاجم تبلیغی دشمنان دین و خدا از دیدگاه قرآن و تاریخ در این شماره آورده شده است.

و مکرهای پیچیده‌ای که تدارک دیده بودند، از حضرت موسی «ع» شکست خورده، ضمن به سجده افتادن، به رسالت حضرت موسی «ع» گواهی می‌دهند. علاوه بر این، عصای اژدها شده حضرت در تهاجمی که به مردم و درباریان می‌کند، چنان رعبی ایجاد می‌کند که انبوهی در جریان فرار زیر دست و پای دیگران مانده و می‌میرند و فرعون نیز از شدت ترس، جامه خود را آلوده می‌سازد. با این حال فرعون در اوج شکست تبلیغاتی خویش، با نهایت قدرت تهاجم تبلیغاتی خویش را آغاز کرده و از ساحران به عنوان همدستان حضرت موسی «ع» یاد می‌کند که با یک نقشه قبلی در صدد برآمده‌اند صحنه نبرد را فراهم آورند و طی آن ساحران از رئیسشان که حضرت موسی «ع» باشد - شکست بخورند و به این ترتیب با قبضه حکومت، نژاد قبط را از سرزمین خودشان بیرون برانند.

در ادامه تلاش، فرعون و هامان برای مهار افکار عمومی به هیجان آمده، فرعون دستور ساختن بنای بسیار بلندی را می‌دهد تا از آن بالا رفته، خدای موسی «ع» را در آسمان بیابد. پس از ساخته شدن بنا، فرعون طی تشریفات از آن بالا رفته و سپس با جامه‌ای خون آلود از آن پایین می‌آید و خطاب به مردم منتظر می‌گوید: من خدای موسی را کشتم، دیگر بروید به زندگی خودتان پردازید!

به این ترتیب داستان فرعون در قرآن نشان می‌دهد که فرعونهای تاریخ چگونه حتی در اوج فضاحت‌بارترین شکستهای خویش با سامان دادن قدرتمندترین تهاجمهای تبلیغاتی، ضمن نمایش نقاط ضعف خویش به شکل نقاط قوت، با بمباران تبلیغاتی مردم، موفق به مهار و کنترل افکار عمومی می‌شوند.

تهاجم تبلیغاتی فرعون

در آیات شریفه ۱۷ - ۳۷ از سوره شعراء، ترسیمی کلی از نخستین برخورد حضرت موسی «ع» پس از رسالت یافتن حضرت، با فرعون ارائه شده است که حاوی بخشی از تهاجم تبلیغاتی جناح کفر و شرک است. فرمود:

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ * وَقَعَلْتَ فَعَلْتَكَ الْإِنِّي وَ أَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ * قَالَ فَعَلْتَهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ * فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ * وَ تِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ * قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا

رَبُّ الْعَالَمِينَ * قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ * قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ * قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ * قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَحْنُونَ * قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ * قَالَ لَئِن اتَّخَذَتِ الْهَالَةُ غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ * قَالَ أَوْلَوْ جِثَّتِكَ بِشَيْءٍ مَبِينٍ * قَالَ قَاتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ * قَالَتِي عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ * وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ * قَالَ لِلْمَلَآءِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ * يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ * قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ * يَا تَوَكُّبِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ *

«فرعون گفت: مگر وقتی نوزاد بودی تو را نزد خویش پرورش ندادیم و سالها از عمرت را میان ما بسر نبردی؟ * کار خود را کردی و از ناسپاساسان بودی * گفت: آن کار هنگامی کردم که از راه بیرون بودم * و چون از شما بیم داشتم از دستتان گریختم و پروردگارم فرزانتان داد و از پیغمبرانم کرد * مگر این نعمتی است که منت آن به من می نهد که پسران بنی اسرائیل را به بردگی گرفته ای؟ * فرعون گفت: پروردگار جهانیان چیست؟ * گفت: پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میانه آن دو است اگر اهل یقینید * به اطرافیان خود گفت هیچ می شنوید چه می گوید * گفت: پروردگار شما و پروردگار پدران قدیمتان * گفت بی گفتگو پیغمبری که سوی شما فرستاده شده دیوانه است * گفت: پروردگار مشرق و مغرب و هر چه میانه آن دو است اگر فهم دارید * گفت: اگر خدایی غیر من بگیری زندانیت می کنم * گفت: و حتی اگر تو را معجزه ای روشن آورده باشم * گفت: اگر راست می گویی بیاور آن را * موسی عضای خود بیانداخت و درد ازدهایی هویداگشت * و دست خویش بیرون آورد، همه دیدند که سفید و روشن بود * به بزرگان اطراف خود گفت: عجب جادوگر ماهری است * که می خواهد شما را به جادوی خویش از سرزمینتان بیرون کند، بنابراین چه رأی می دهید * گفتند: وی را با برادرش نگهدار و مأمورین جمع آوری به شهرها فرست * تا همه جادوگران ماهر را پیش تو آورند».

پس از برخورد حضرت موسی «ع» و هارون با فرعون، فرعون بعد از شنیدن سخنان آن دو، حضرت موسی «ع» را شناخته، خطاب به او می گوید: «آیا تو نبودی که ما در کودکی تو را تربیت کردیم» یعنی تو همانی هستی که در آغوش ما بزرگ شدی، و ما تو را دقیقاً می شناسیم و حالا با این که آن خاطره ها هنوز فراموش نشده است، تو ادعای

رسالت می‌کنی؟ تو کجا و رسالت کجا؟ علاوه بر این، فرعون با یادآوری داستان کشتن مرد قبطی به دست حضرت موسی «ع»، سعی در ترسیم سوابق سوایی برای حضرت موسی «ع» می‌کند. به این ترتیب فرعون با طرح مقدمات فوق می‌کوشد تا حضرت موسی «ع» را فردی معرفی کند که از گذشته نسبت به وی شناخت داشته و او نه تنها گذشته خوبی نداشته، بلکه نمک نشناسی و فسادهای بسیاری داشته است. طبعاً چنین ویژگی‌هایی، خود به خود نفی رسالت حضرت را القا می‌نمود.

اما پس از پاسخ حضرت موسی «ع» در این که بزرگ شدن حضرت در نزد فرعون نعمت نبوده، بلکه این مسأله در اثر جور فرعون ایجاد شده است، هوچیگری فرعون را خنثی می‌سازد. اما فرعون بلافاصله دست به ترفند دیگری زده، با توسل به مغالطه، سعی می‌کند حضرت موسی «ع» را زیر سؤال ببرد. این بار فرعون اشکال را از رسالت حضرت موسی «ع» به مرسل و فرستنده او می‌کند و از حضرت موسی «ع» می‌پرسد چه کسی تو را فرستاده است. و مغالطه ظریفی را با حضرت موسی «ع» پیش می‌گیرد که طی چند آیه بیان شده است.^۱

پس از آن که فرعون از ترور شخصیت حضرت موسی «ع» نتیجه‌ای نگرفت و با مغالطه‌های خویش نیز نتوانست بر حضرت پیروزی بیابد، نخست می‌کوشد تا حضرت را دیوانه و ساحر معرفی کند. همان گونه که در آیه شریفه ۲۷ از سوره شعراء از قول فرعون فرمود:

إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ «این رسولی که به شما ارسال شده قطعاً دیوانه است».

در آیه شریفه ۳۹ از سوره ذاریات فرمود: فَتَوَلَّىٰ وَرُكْبِهِ وَ قَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ «و (فرعون) به غرور ملک و قدرت گفت که موسی ساحر یا دیوانه است».

به این ترتیب فرعون در قسمتی از تهمتهایی که به حضرت موسی «ع» منتسب می‌سازد، حضرت را ساحر و دروغگو معرفی می‌کند. در آیه ۳۴ از سوره شعراء از زبان فرعون فرمود: إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ «این مرد محققاً ساحری زبردست است».

۱ - در این زمینه رجوع کنید به تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی، انتشارات

در آیات شریفه ۲۳-۲۴ از سوره مؤمن هم از قول فرعون مجدداً فرمود: **وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ * إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ قَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ** «ما موسی را با آیات و معجزات و حجت آشکار فرستادیم* به سوی فرعون و هامان و قارون، آنها موسی را تکذیب کردند و گفتند او ساحر بسیار دورغویی است».

اما در نهایت فرعون که خود را ناتوان‌تر از آن می‌بیند که از سویی با تحقیر و نفی حضرت و از سوی دیگر با مغالطه و مشوب کردن افکار مردم و دیوانه و ساحر خواندن حضرت موسی «ع» بروی فایق آید، از آخرین حربه خویش سخن به میان آورده، حضرت را به زندانی تهدید می‌کند که تنها جنازه افراد از آن بیرون می‌آمد در آیه ۲۹ از همین سوره فرمود: **قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ** «گفت اگر خدایی غیر از من بگیری زندانیت می‌کنم».

و ظاهراً لام در المسجونین آیه شریفه، لام عهد بوده و معنای جمله را چنین می‌نماید که ای موسی اگر بر این سخت پافشاری نمایی، تو را در زمره کسانی قرار می‌دهم که می‌دانی در زندان من چه حال و روزی دارند.

در همین رابطه تفاسیر مجمع البیان و منهج الصادقین و... خاطر نشان می‌سازند که زندان فرعون از قتل بدتر بود، زیرا زندانیان را در حفره‌های عمیقی می‌انداختند که در آنجا هیچ چیز دیده و شنیده نمی‌شد و سرانجام تنها جنازه زندانی از زندان خارج می‌شد.

پس از آنکه فرعون در مدت کوتاهی با توسل به هوچیگری، مغالطه، افترا زدن، تهدید کردن، ایجاد شبهه در اذهان مردم و... در صدد مقابله و سرکوب حضرت موسی «ع» بر می‌آید، حضرت معجزه خود را به فرعون و فرعونیان باز می‌نماید.

فرعون از مشاهده این معجزات حضرت «اژدها شدن عصا و درخشنده شدن دست»، سخت جا خورد و در وحشت عمیقی فرو رفت، اما برای حفظ قدرت شیطانی خویش که با ظهور موسی «ع»، سخت به خطر افتاده بود و همچنین برای حفظ اعتقاد اطرافیان و روحیه دادن به آنها در صدد توجیه حضرت موسی «ع» برآمد، نخست به اطرافیان خود چنین گفت: «این مرد ساحر آگاه و ماهری است!»

همان کسی را که تا چند لحظه قبل مجنونش می‌خواند اکنون به عنوان «علیم» از او

نام می‌برد!

فرعون فکر می‌کرد چون در آن زمان سحر رایج بود، این اتهام و برچسب بهتر از هر چیز به موسی بعد از نشان دادن این معجزات می‌چسبد.

سپس برای این که جمعیت را بر ضد او بسیج کند چنین ادامه داد: «او می‌خواهد شما را از سرزمینتان با سحرش بیرون کند!»

«شما چه می‌اندیشید و چه دستور می‌دهید!»

این همان فرعون‌نی است که قبلاً تمام مصر را ملک مسلم خود می‌دانست، و می‌گفت: «آیا حکومت و مالکیت این سرزمین مصر از آن من نیست؟» اکنون که پایه‌های تخت خود را لرزان می‌بیند، مالکیت مطلقه این سرزمین را به کلی فراموش کرده و آن را ملک مردم می‌شمرد، می‌گوید: سرزمین شما به خطر افتاده، چاره‌ای بیاندیشید!

فرعون که تا یک ساعت پیش از این حاضر نبود گوش به سخن کسی بدهد و همیشه فرمان دهنده مطلق العنان بود و آمر بلامنازع، اکنون چنان درمانده شده است که به اطرافیان می‌گوید: شما چه امر می‌کنید؟! مشورتی بسیار عاجزانه و از موضع ضعف! از آیه ۱۱۰ سوره اعراف چنین برمی‌آید که اطرافیان نیز در میان خود به مشورت پرداختند و آنچنان دستپاچه شده بودند که قدرت تفکر را از دست داده و هر یک رو به دیگری می‌کرد و می‌گفت: تو چه دستور می‌دهی!؟

پس از این حوادث، فرعون با متخصصان دربارش در مورد خط مشی کلی در برخورد با حضرت موسی «ع» و هارون «ع» به رایزنی می‌پردازد. نظر اولیه فرعون در این مسأله به قتل رساندن حضرت موسی «ع» و هارون «ع» بود، که این معنا در آیه شریفه ۲۶ از سوره مؤمن منعکس شده است:

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ.

«فرعون (به درباریان) گفت: بگذارید تا من موسی را به قتل رسانم و او خدای خود را به یاری طلبد، می‌ترسم که اگر وی را زنده گذاریم، آیین شما را دگرگون سازد یا در روی زمین فتنه و فساد برانگیزد.»

در سخن فرعون این دلالت وجود دارد که در برابر وی افرادی بوده‌اند که با کشتن موسی «ع» مخالفت کرده و به وی می‌گفتند: او را مکش و دست از او بردار. همچنانکه آیه شریفه ۳۶ از سوره شعراء «گفتند کار او و برادرش را تأخیر انداز» نیز به این معنا اشاره

دارد.^۱ بنابراین این فرعون که به دلیل مؤمن بودن مشاطه گر خاندانش دستور قتل «و به تعبیری سوزندان و ذوب کردن» وی و فرزندانش را داده بود و به سبب ایمان مؤمن آل فرعون، دستور تکه تکه کردن وی را داد، در نهایت نظر متخصصان درباره خویش را می پذیرد^۲ و برای جلوگیری از اسطوره شدن حضرت موسی «ع» در ابتدا در صدد برمی آید تا به ترور شخصیت حضرت موسی «ع» دست زده و بعد کشتن حضرت را پیش بگیرد. در آیات شریفه ۳۵ - ۳۷ از سوره شعراء از تصمیم نهایی متخصصین درباره فرعون چنین یاد فرمود:

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجُكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ * قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ * يَا تُوَكُّ بِكُلِّ سِحَارٍ عَلِيمٍ.

«فرعون گفت: موسی می خواهد شما را به جادوی خویش از سرزمینتان بیرون کند و بنابراین این چه رأی می دهید» گفتند: وی را با برادرش نگهدار و مأمورین جمع آوری به شهرها فرست * تا همه جادوگران ماهر را پیش تو آرند».

از سوی دیگر در امتداد تصمیم مزبور، فرعون و متخصصین درباره اش ضمن مسکوت گذاردن شکست عظیمی که می توانست حیثیتی برای آنان باقی نگذارد، با

۱ - این برداشت منطبق با برداشت علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان است. تفسیر نمونه برداشتی متفاوت از برداشت فوق داشته، بیان می دارد که تصمیم به قتل حضرت موسی «ع»، پس از شکست ساحران از حضرت مطرح شده است. حال آنکه با توجه به ویژگیهای حکومتهای توتالیتر، که با یافتن هر بهانه ای می کوشند تا با خونریزی و ارباب بی حد و حصر مانع ایجاد تشکلهای مخالف قدرت حاکم شوند، برداشت تفسیر المیزان صحیح به نظر می رسد.

۲ - تفسیر روان جاوید ذیل آیات ۲۲ - ۲۳ از سوره شعراء خاطر نشان می سازد پس از آن که حضرت موسی «ع»، عصای خود را در برابر فرعون افکند و عصا تبدیل به اژدهایی وحشتناک شد، و پس از آنکه دست گندمگون خود را در گریبان برد و دست خویش را در حالی که سفید و منور شده بود، بیرون آورد، فرعون به نفس خود مراجعه کرد و خواست تا بیانات حضرت موسی «ع» را تصدیق کند، اما هامان مانع وی شد و گفت: این کار با خدایی تو منافات دارد. زیرا که در این صورت باید تابع بنده خودت شوی. و این استدلال هامان دوباره او را به سوی تفرعن خویش سوق داد.

تحمیق و تحریک هر چه بیشتر مردم، سعی در جوسازی و منحرف کردن اذهان مردم کرده، می‌کوشند تا بر پایه شکست عظیم خویش یک تهاجم گسترده و وسیع را سازمان دهند. در آیات شریفه ۶۲ - ۶۴ از سوره طه به تصمیم فرعونیان جهت گردآوری ساحران از سرزمین مصر اشاره دارند.

فرعونیان که شاهد تأثیر کلمات حق حضرت موسی «ع» بودند و می‌دیدند مردم در کار معارضه با حضرت موسی «ع» به اختلاف افتاده‌اند و این اختلاف برای بقاء سلطنت فرعون خطرناک است، پس از بحثهای بسیار به این نتیجه رسیدند که با مسکوت گذاردن موعظه‌های حضرت «ع» و مستمسک قرار دادن انگیزه‌های مادی و عاطفی نژاد قبط، از خطر بیرون کردن آنها از سرزمین مصر، آواره شدنشان و از بین رفتن دین آبا و اجدادی قبطی‌ها سخن به میان آورند.

از سوی دیگر فرعون با تحریک مردم علیه حضرت موسی «ع» می‌کوشد تا با گردآوری سحار «ساحران ماهرتر» و دادن وعده‌های جمیل، جادوگران را به گردآوری تمامی کیدهای ممکنشان وادارد.

در آیات ۱۱۳ - ۱۲۲ از سوره مبارکه اعراف، قسمتی از تلاشهای فرعون و ساحران را برای مغلوب کردن حضرت موسی «ع» و نتیجه نهایی این اقدامات را ترسیم فرمود. در همین رابطه تفسیر منهج الصادقین ذیل آیه شریفه قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا... می‌نویسد: «گفت بیفکنید شما، پس آن هنگام که بیفکنند ساحران آنچه ساخته بودند، یعنی رسنهای بزرگ را که مجوف ساخته و تافته بودند و به قیر مطلا کرده و چوبهای دراز که میان تهی ساخته بودند و اجواف آن چوبها و رسنها پر سیماب کرده و بعد از انداختن، چون حرارت آفتاب بدانجا رسید، زبیب را حرکت آمده، آن رسنها و چوبها به شکل مار بر یکدیگر می‌پیچیدند. در تفسیر عین المعانی آورده که زیر زمین را تهی کرده بودند و آتش در آن انداخته چون حرارت آتش از تحت و گرمی آفتاب از فوق اثر کرد، آن اشکال در حرکت آمدند و چنان نمود که همه میدان پر از مارانند و به این تلبیسات و تسویلات «سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ»، یعنی نمودند به ایشان چیزی مخیل که حقیقتی نداشت «وَ اشْتَرَهُمْ هَوَاهُمْ» و بترسانیدند مردمان را ترسانیدنی سخت بر وجهی که گوئیا طلب رهبت

کرده بودند از ایشان و به ایشان گفته که از این مارها بگریزید تا هلاک نشوید.^۱ و به این ترتیب با وجود آن که قرآن با جمله «وَجَاؤُا بِسِحْرِ عَظِيمٍ» به طور سر بسته به این واقعیت اشاره می کند که صحنه تهیه شده توسط ساحران بسیار مهم، حساب شده و هول انگیز بود، اما در نهایت به اذن خدا ترفند فرعون و متخصصان دربار وی با شکستی بسیار بزرگ مواجه می گردد.

در عظمت شکست مجدد فرعون همین بس است که بگوییم پس از آن که حضرت موسی «ع» با شرایطی که با فرعونیان می گذارد، در عمل، غیر قابل توجه ترین شرایط روانی را فراهم می آورد. «در آیه ۵۹ از سوره مبارکه طه فرمود: قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَ اَنْ يُخَشِّرَ النَّاسُ صُحُی (موسی) گفت: وعده گاه شما روز عید باشد که همه مردم نیم روز مجتمع شوند. در روز عید بیشترین مردم در روشنایی آفتاب برای قضاوت در حقانیت حضرت موسی «ع» یا فرعون گرد می آیند، حضرت عصای خویش را افکنده و عصا به اذن خدا تبدیل به اژدها شده و ریسمانهای جنبان ساحران را می بلعد، سپس حالتی هم نسبت به مردم می گیرد. روایات موجود بیان می دارند: مردم برای فرار از اژدها چنان ازدحامی کردند که بیست و پنج هزار نفر زیر دست و پا تلف شدند. در روایات دیگری آمده است: فرعون از دیدن اژدها آنقدر وحشت کرد که جامه خود را آلوده ساخته و بیهوش شد.

بعضی از روایات دیگر بیان می دارند: فرعون در آن روزی که اژدها را دید، چهارصد بار خود را آلوده کرد. و فرعون تا چندی که پس از آن حادثه زنده بود به مرض اسهال دچار بود.^۲

در مورد ساحران نیز در روایتی آمده است که «سحره هفتاد و دو نفر بودند». به همین ترتیب در مورد «دوازده هزار نفر، پانزده هزار نفر، هفده هزار نفر، نوزده هزار نفر،

۱ - کاشانی، ملافتح الله، منهج الصادقین، به تصحیح میرزا ابوالحسن شعرانی، ج ۴، چ ۳، ۱۳۴۶،

اسلامیه، ص ۸۴.

۲ - طباطبایی، علامه محمد حسین، تفسیرالمیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی،

انتشارات محمدی، جلد ۱۶، ص ۵۰.

سی و چند هزار نفر، هفتاد هزار نفر، هشتاد هزار نفر بودن سحره^۱ روایاتی وارد شده است.

از سوی دیگر سجده ساحران و ایمان آوردن تمامی آنها، شکست تبلیغاتی فرعون را در حد نهایت ممکن، ترسیم می‌سازد. طبعاً عامه مردمی که ذهنیت اولیه‌ای نسبت به سرانجام داستان ندارند؛ در اینجا ممکن نیست، کمترین راه‌گزینی برای فرعون در تصوراتشان راه دهند. اما واقع امر چیزی خلاف این پندار است. فرعون در تهاجم تبلیغاتی خویش، ساحران قبلی و مؤمنین فعلی را ضمن تهدید به مرگی بسیار سخت، متهم به مشارکت در توطئه براندازی حضرت موسی «ع» می‌کند و به این ترتیب می‌کوشد تا جو قبلی را تحت تأثیر جوسازیهای فعلی قرار دهد.

در آیات شریفه ۷۰-۷۱ از سوره طه فرمود:

قَالِقِ السَّحْرَةَ سَجْدًا قَالُوا أَمَّا رَبُّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ * قَالَ أَمْنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنٰ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرٌ كُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السَّحْرَ فَلَا قِطْعَنَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَا صَلْبَيْكُمُ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَىٰ.

«جادوگران سجده کنان خاکسار شدند و گفتند: به خدای هارون و موسی ایمان آوردیم* گفت: چرا پیش از آن که اجازه تان دهم بدو ایمان آوردید. موسی استاد شما است که جادو تعلیمتان داده، دستها و پاهایتان را به عکس یکدیگر می‌برم و بر تنه‌های نخل آویزانتان می‌کنم تا بدانید عذاب کدام یک از ما (من یا خدای موسی) سخت تر و پایدارتر است.»

تعبیر به اَلْبَقَى «با استفاده از فعل مجهول» به منظور اشاره به این نکته است که قدرت الهیه ساحران را ذلیل کرد و خیره‌کنندگی نور و ظهور حق، چنان آنها را از خود بی‌خود کرد که گویی اراده‌ای از خود نداشته و شخص دیگری آنها را به سجده انداخته است. بعلاوه ساحران برای از بین بردن هر نوع توجیه بعدی کارشان و برای جلوگیری از تأثیر اقداماتی که برای فریب مردم انجام داده بودند، به ربوبیت خدا و رسالت حضرت موسی «ع» و هارون شهادت می‌دهند. فرعون در این شرایط که می‌بیند نه تنها صف

۱ - طبرسی، ابوالفضل ابن الحسن، مجمع البیان، ترجمه دکتر احمد بهشتی، نشر فراهانی،

مقدم نیروهایش قادر به شکست دادن حضرت موسی «ع» نشده‌اند، بلکه تسلیم وی شده و اکنون از مدافعان سرسخت وی به شمار می‌روند، ضمن تهمتی که هیچگونه همخوانی با عقل و منطق نداشت، ساحران سابق را متهم به توطئه‌ای سیاسی علیه نژاد قبط می‌کند. او می‌گوید: ساحران توطئه‌ای سیاسی را علیه مردم قبط تدارک دیده‌اند و قبلاً با رئیس خود موسی «جادوگر بزرگی که هیچکس از جادوگران مصر وی را نمی‌شناختند» قرار گذاشته‌اند که او ادعای نبوت کرده، اهل مصر را به سوی خدا دعوت کند و به منظور پیش بردن اهدافش سحری بیاورد و وقتی که مردم مصر مجبور به کمک گرفتن از ساحران شدند، ساحران به جای باطل کردن سحر وی مغلوب او شوند تا عوام مردم به حضرت موسی «ع» ایمان بیاورند و آن وقت هر کس را که ایمان نیاورد، از مصر بیرون کنند.

در آیه شریفه ۱۲۳ از سوره اعراف فرمود:

قَالَ فِرْعَوْنُ اٰمَنْتُمْ بِهٖ قَبْلَ اَنْ اَذِّنَ لَكُمْ اِنَّ هٰذَا لَمَكْرٌ مَّكْرُتُمُوْهُ فِى الْمَدِيْنَةِ لِتُخْرِجُوْا مِنْهَا اَهْلَهَا
 «فرعون گفت چرا پیش از آن که به شما اجازه دهم بدو ایمان آوردید؟ این نیرنگی است که در شهر اندیشیده‌اید تا مردمش را از آن بیرون کنید».

فرعون پس از وارد آوردن این تهمت به ساحران از در اعراب نیز وارد شده، با تهدید آنها به مرگی بسیار سخت^۱ می‌کوشد تا شاید آنها «و یا حداقل برخی از آنها» را از دعاویشان منصرف سازد، تا در توجیه شکست روانی عظیمی که می‌توانست به اضمحلال حکومت وی بیانجامد، از آنها استفاده تبلیغاتی کند.

آیه شریفه ۳۸ از سوره قصص، از ترفند دیگر فرعون برای کنترل افکار عمومی به هیجان آمده مصر سخن گفته است. فرمود:

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا اٰیُّهَا الْمَلٰٓئِمَآءُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ اِلٰهٍ غَيْرِیْ فَاَوْقِدْ لِیْ يٰ هٰمَانَ عَلٰی الطَّيْنِ فَاَجْعَلْ لِّیْ صَرَْحًاۙ لَّعَلِّیْ اَطَّلِعَ اِلٰی اِلٰهِ مُوسٰی وَاِنِّیْ لَآظُنُّهُ مِنَ الْكٰذِبِيْنَ.

۱ - تفسیر منهج الصادقین در این باره می‌نویسد: «و مرویست که اول کسی که صلب کرد فرعون بود» یعنی فرعون با بکارگیری نهایت سیاست و کیاست خود، شکنجه و مرگی سخت را طراحی می‌کند، تا شاید به این وسیله ساحران قبلی و مؤمنین فعلی را مرعوب سازد و از آنها در جهت اهداف سیاسی - روانی خود سود بجوید.

«فرعون گفت: ای بزرگان قوم، من غیر از خودم معبودی برای شما نمی‌شناسم، اما برای تحقیق بیشتر» ای هامان برایم از گل پخته آجر بساز و برجی درست کن، باشد که از معبود موسی اطلاعی بیابم، و من او را از دروغگویان می‌دانم».

فرعون ضمن این ترفند بدیع، ضمن آنکه تأکید می‌ورزد خدایی جز خودش برای مردم سراغ ندارد، خدای حضرت موسی «ع» را نیز در هاله‌ای از تردید، و محتاج مکان و جهت ترسیم می‌کند و از هامان می‌خواهد تا برای وی بنای بلندی بسازد تا فرعون بر بالای آن بنا رفته و صحت ادعای حضرت موسی «ع» را بررسی کند، هر چند پیش از آنکه یک سنگ از بنای این برج بلند نیز آماده شود، فرعون پیشاپیش در قضاوت خود حضرت موسی «ع» را دروغگو معرفی می‌کند و بدین ترتیب می‌نمایاند که تقاضای ساختن صرح «بنای بلندی که از نقاط بسیار دور هم دیده می‌شود»، هم تنها یک ترفند روانی است که وی برای القای اندیشه‌ای انحرافی به مردم، آن را مطرح ساخته است. تفسیر ابوالفتح رازی ذیل آیات مورد بحث از ساخته شدن بنای عظیمی که فرعون خواسته بود، چنین می‌نویسد:

«طبق بعضی از تواریخ، هامان دستور داد تا زمین وسیعی برای این کاخ و برج بلند در نظر گیرند و پنجاه هزار مرد بنا و معمار برای این کار گسیل داشت، و هزاران نفر کارگر برای فراهم آوردن وسایل کار مأمور کرد، درهای خزانه را گشود و اموال زیادی در این راه مصرف کرد و کارگران زیادی به کارگمارد، به طوری که در همه جا سر و صدای این برج عظیم پیچید.

هر قدر این بنا بالاتر و بالاتر می‌رفت، مردم بیشتر به تماشای آن می‌آمدند و در انتظار این بودند که فرعون با این بنا چه خواهد کرد.

بنا به قدری بالا رفت که بر تمام اطراف مسلط شد، بعضی نوشته‌اند معماران آن را چنان ساختند که از پله‌های مارپیچ آن مرداسب سواری می‌توانست بر فراز برج قرار گیرد!

هنگامی که ساختمان به اتمام رسید و بیش از آن توان بالا بردن آن را نداشتند، روزی فرعون با تشریفات به آنجا آمد، و شخصاً از برج عظیم بالا رفت، هنگامی که بر فراز برج رسید، نگاهی به آسمان کرد و منظره آسمان را همانگونه دید که از روی زمین صاف معمولی می‌دید، کمترین تغییر و دگرگونی وجود نداشت!

معروف است تیری به کمان گذاشت به آسمان پرتاب کرد و تیر بر اثر اصابت به پرنده‌ای و یا طبق توطئه قبلی خودش، خون آلود بازگشت. فرعون از آنجا پایین آمد و به مردم گفت: بروید و فکرتان راحت باشد، خدای موسی را کشتم.

با توجه به آنچه که ذکر گردید، براحتی می‌بینیم که نقش تبلیغات در ارائه یک خط‌مشی و حاکم نمودن یک ایدئولوژی تا چه حد مؤثر و کارساز است و در کنار آن مسأله تهاجم تبلیغاتی ذکر می‌گردد که در این مقاله؛ ذکر مثالی روشن و معروف از تهاجم تبلیغاتی علیه حضرت موسی «ع» با عنایت به آیات و قصص قرآن آورده شده است. لذا می‌توان اینگونه برداشت نمود، که کوچکترین غفلتی از ایدئولوژی و خط‌مشی فردی و انقلابی سبب خواهد شد تا، دشمنان براحتی از این سلاح بر علیه هر ایدئولوژی اقدام کنند و در روابط اجتماعی و انسانی جوامع مختلف خلل وارد آورند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی